

سال‌های ۹۸ و ۹۹ در نظر بگیرید. در این بازار تعدادی از سهام شرکت‌ها به صورت ثابت در معرض فروش بودند (بدون در نظر گرفتن عرضه اولیه‌ها) و این تعداد در طول ماه‌ها تقریباً ثابت بود، اما در مقابل میزان نقدینگی از ۱۸۹۰ هزار میلیارد تومان در فروردین ۱۳۹۸ به ۲۵۱۴ هزار میلیارد تومان در فروردین ۱۳۹۹ رسید. در همین مدت به طور متوسط قیمت سهام‌ها در بازار بورس ایران بیش از ۲۰ درصد افزایش پیدا کرد. مشخص است مادامی که تعداد کالاها و خدمات یا سهام‌ها برای فروش ثابت باشد اما در مقابل پول در دست مردم بیشتر شود، عایدی جز تورم نخواهد داشت. حالا زمانی که گفته می‌شود میزان نقدینگی از تابستان ۹۲ تا تابستان ۱۴۰۰ (دولت یازدهم و دوازدهم) بیش از ۷۳۰ درصد (۸ برابر) افزایش پیدا کرده، اینجاست که رصد، کنترل و مرور چند باره نقدینگی به عنوان یک علت تورم با اهمیت می‌شود.

دولت دوازدهم؛ رکورد رشد نقدینگی

اگر رشد نقدینگی در شرایطی که اقتصاد در حال رشد است و تولید کالا و خدمات در جامعه رونق دارد، به‌طور متناسب افزایش یابد، نه‌تنها مشکل‌ساز نیست، بلکه لازم و ضروری است. در یک قرائت ساده گفته می‌شود رشد نقدینگی باید برابر با مجموع رشد اقتصادی و تورم باشد (رشد نقدینگی = رشد اقتصادی + تورم). از این منظر در صورتی که نقدینگی بدون وجود رشد اقتصادی در هر کشور بالا برود، این موضوع لاجرم موجب بالا رفتن نرخ تورم خواهد شد. ایران در خلال سال‌های ۹۲ تا ۱۴۰۰ با منفی یا صفر بودن رشد اقتصادی، تورم بالایی را ناشی از افزایش نقدینگی تجربه کرده است، البته رابطه بین نقدینگی و تورم پیچیده‌تر از تئوری‌های گفته‌شده است و نمی‌توان تنها دلیل تورم را این متغیر لحاظ کرد و از شکست‌های ساختاری، افزایش نرخ ارز و... صرف‌نظر کرد، اما به هر روی تجربه کشورها خصوصاً کشورهای توسعه‌یافته نشان داده که کنترل نقدینگی متناسب با رشدهای اقتصادی می‌تواند به کنترل تورم بینجامد. نقدینگی کشور در پایان دولت دوازدهم در حالی حدود ۴۰۰۰ هزار میلیارد تومان بود که بررسی آمارهای پولی حاکی از آن است که میانگین تاریخی رشد (۴۲ سال) آن تا پایان سال ۱۴۰۰ حدود ۲۶ است. همچنین بررسی داده‌های متوسط نرخ رشد نقدینگی در دولت‌های مختلف نشان می‌دهد که در دولت سازندگی نرخ رشد متوسط نقدینگی ۲۹ درصد، در دولت هفتم و هشتم نرخ رشد ۲۵ درصد، در دولت نهم و دهم ۲۷/۷ درصد و در دولت یازدهم و دوازدهم ۳۰ درصد بوده که بالاترین نرخ متوسط رشد نقدینگی در همه دوره‌های دولت‌های جمهوری اسلامی پس از دفاع مقدس بوده است. این درحالی است که متوسط نرخ رشد نقدینگی در ۶ سال اول دولت حسن روحانی حدود ۲۴ درصد بوده و از سال ۹۸ به بعد به طور بی‌سابقه‌ای از ۳۰ درصد هم عبور کرده است. بر اساس آنچه که در ابتدای همین قسمت گفته شد، رکوردشکنی‌های دولت قبلی در رشد نقدینگی، با وقفه‌های کوتاه در تورم نیز نمود پیدا کرد و رکورد ممتد شدن تورم بالای ۳۰

یکی از دلایل رشد نقدینگی، افزایش پایه پولی بوده که رشد این متغیر در سال‌های ۹۲ تا ۱۴۰۰ و در حد فاصل دولت یازدهم و دوازدهم چیزی حدود ۴۰۰ درصد (۵ برابر) بوده است. به طور کلی افزایش پایه پولی و در ادامه رشد نقدینگی از دو کانال؛ از کسری بودجه دولت و ناترازی بانک‌ها نشأت می‌گیرد. دولت هر زمانی که درآمد نفتی نداشته باشد از بانک مرکزی قرض می‌گیرد و بانک مرکزی مجبور به چاپ پول است

معضل اصلی در کشور ما نه خود تورم، بلکه مژمن بودن آن است که سال‌هاست برنامه‌های ما را در برابر این چالش عاجز کرده است. نگرش‌های متفاوتی به تورم و تعریف آن وجود دارد، با این حال همه متخصصان این حوزه اولین گام برای حل و درمان آن را شناسایی ریشه‌های آن می‌دانند. شواهد نشان می‌دهد طی سه دهه اخیر سه مرتبه در اقتصاد ایران هربار، دو تورم سنگین و متوالی را طی کرده که شامل سال‌های «۷۳ و ۷۴»، «۹۱ و ۹۲» و «۹۸ و ۹۹ و ۱۴۰۰» است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ویژگی‌هایی چون افزایش نرخ ارز، کاهش رشد اقتصادی، فعالیت‌های سودگراانه و... در همگی این سال‌ها مشترک بوده است و نمی‌توان تنها نقدینگی را عامل به‌وجود آمدن آن دانست. با همه اینها اما دهه ۹۰ و بخصوص حد فاصل سال‌های ۹۲ تا ۱۴۰۰ (دولت یازدهم و دوازدهم) یک بازه تاریخی و یکی از مصادیق حکمرانی غلط اقتصادی در کشور است که بررسی آن هرچند دل و دماغی برای تحلیل باقی نمی‌گذارد، تجربه‌های جدی در زمینه سیاستگذاری، تصمیم‌گیری و مواجهه با بحران‌ها را دارد که تنها در صورت درس گرفتن از آنهاست که می‌توان دهه پیش رو را با تقویت و احیای اقتصادی گذرانند. تورم و نقدینگی بزرگ‌ترین چالش این دهه بوده که خود معلول مواردی است و در عوض عاملی برای فقر بیشتر، رفاه کمتر و... است. از همین رو بررسی و ریشه‌شناسی نقدینگی برای ریل‌گذاری و احیاناً تغییر ریل‌های موجود در اقتصاد کشور به‌قصد احیای وضعیت فعلی از اوجب واجبات است.

چرا نقدینگی در دولت روحانی ترسناک شد؟

آمارها نشان می‌دهد دولت سیزدهم، اقتصاد را در حالی تحویل گرفت که میانگین رشد نقدینگی در شش ماه منتهی به شهریور ۱۴۰۰ به صورت روزانه چیزی حدود ۲ هزار میلیارد تومان بوده است. به صورت کلی نقدینگی به دو شکل افزایش می‌یابد؛ یکی افزایش پایه پولی که از طریق چاپ پول و توسط بانک مرکزی اتفاق می‌افتد و در ادامه ضریب فزاینده آغاز به کار می‌کند. در واقع ضریب فزاینده، میزان افزایش حجم پول براساس فعالیت بانک‌ها را نشان می‌دهد و مشخص می‌کند به‌ازای هر واحد پایه پولی چه میزان حجم پول بیشتر شده است. دومین علت رشد نقدینگی، فعالیت بانک‌ها و خلق پول توسط سیستم بانکی است که در کشور ما در سال‌های اخیر این موضوع به قدری پر رنگ شده که می‌توان تا حدود بالایی نقدینگی و تبعات آن را به آن نسبت داد. از همین رو حول بررسی دهه نود و دولت قبلی این سؤال پیش می‌آید که معلول افزایش روز افزون و مضاعف نقدینگی چه بوده است؟ پایه پولی یا عملکرد مالی دولت، یا بانک‌ها؟ چند عاملی که ریشه‌های افزایش نقدینگی در دولت یازدهم و دوازدهم و سرعت گرفتن آن بود، عبارت است از:

فشاردن فنر نقدینگی در سال‌های ۹۲ تا ۹۶

۱- تیم اقتصادی روحانی در چهار سال ابتدایی دولت خود با افزایش نرخ سود بانکی و کاهش حجم پول جامعه و از طرفی تزریق و توزیع آن از طریق سیستم بانکی به بنگاه‌های تولیدی در صدد ایجاد

درصد در اقتصاد ایران شکسته شد. در واقع در طول ۱۰۰ سال اخیر هر بار اقتصاد ایران با تورم‌های بالای ۳۰ درصد روبه‌رو بود، همیشه امتداد آن حدود دو سال بوده و در واقع برای اولین بار است که با امتداد ۴ ساله تورم بالای ۳۰ درصد روبه‌رو شده‌ایم.

دهه ۹۰ کلاس درس اقتصادی

دهه ۹۰ متفاوت‌ترین دهه اقتصادی ایران است که در آن دو جهش قیمتی با فاصله چهارساله رخ داده و از سوی دیگر چهارمین پرواز نرخ ارز در این دهه ثبت شده است. در این دهه متفاوت، طولانی‌ترین تورم ایران طی سال‌های ۹۷، ۹۸ و ۹۹ و ۱۴۰۰ با میانگین ۳۷/۵ درصد رقم خورده است و به‌موازات آن اقتصاد کوچک‌تر و مردم نیز فقیرتر شده‌اند. با همه اینها انتظار می‌رفت سال ۱۴۰۰ با تغییر دولت و تیم اقتصادی و تعدیل انتظارات تورمی، تقلیل شوک‌های خارجی ناشی از تحریم، کنترل کرونا، ترکیب حساب برخی دارایی‌های سرمایه‌ای، ثبات نرخ ارز و... تورم هم کنترل شود و لاقبل تورمی ۱۵ تا ۲۰ درصدی را تجربه کنیم، اما در نهایت این امر محقق نشد تا این امید به سال جاری موقوف شود. این مسأله به‌طور قطع نیازمند دخالت سیاستگذار و دولت برای هدایت اقتصاد کشور و جلوگیری از تخطی آن از تورم‌های پایین است که امید است تلاش‌های صورت گرفته در سال جاری به بار نشیند. تورم پدیده اقتصادی مرسوم در بسیاری از اقتصادهای جهان است و به‌موازات آن اقتصادها به برنامه‌های کنترل و مهار آن دست پیدا کرده‌اند، مثلاً میانگین نرخ تورم جهان در سال ۲۰۲۱ حدود ۵ درصد بوده، اما